



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال چهارم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۰

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 4, No. 2, Summer 2021



بررسی تحلیلی رذیلت اخلاقی «بدی» در دو متن اندرزی مینوی خرد و گلستان سعدی

آناهیتا پرتوی* | حسین قاسمی**

doi 10.22034/ethics.2022.49772.1434

چکیده

اخلاق، امری بیرون از جهان نیست، بلکه دقیقاً با تمام اجزای جهان آمیخته است و این درآمیختگی اخلاق با جهان، خود را به صورت پیوند میان عمل اخلاقی و ظهور شینی یا تجسم یافته آن عمل اخلاقی نشان می‌دهد. هدف این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، پاسخ به این پرسش است که مفهوم استعاره «بدی» در متن اندرزی فارسی میانه (مینوی خرد) و فارسی دری (گلستان سعدی) دارای چه حوزه‌های مبدائی بر اساس نظریه «استعاره معاصر» هستند و نتیجه مقایسه آنها با یکدیگر چیست. داده‌های تحقیق نشان می‌دهند که [بدی شئی است] هم در مینوی خرد (با ۶۰٪) و هم در گلستان سعدی (با ۶۷٪) بیشترین بسامد را دارد و این نشان از این حقیقت دارد که گرچه «مینوی خرد» متنی مربوط به دوران پیش از اسلام است و «گلستان سعدی» متنی مربوط به پس از اسلام، اما محتوای اخلاقی این دو کتاب از منظر زیربنای فلسفی و تلقی هستی‌شناسانه، دو وجه از یک جهان‌بینی و تلقی یگانه از جهان هستند که جهان را دارای مراتب می‌داند و باور دارد که در پس هر فعل یا عمل اخلاقی، تجسم یا شینیت آن عمل اخلاقی در مرتبه‌ای دیگر از هستی ظاهر می‌شود.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، نظریه «استعاره معاصر»، رذیلت اخلاقی، بدی، مینوی خرد، گلستان سعدی.

* دکتری زبان‌شناسی، کارشناس مسئول پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) | anahitapartovi2020@gmail.com

** استادیار گروه زبان‌شناسی و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران. | hossein_gh53@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ □ تاریخ تولید: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

۱. مقدمه

دادستان مینوی خِرد (احکام و آراء روح عقل) یا مینوی خِرد، کتابی است به زبان فارسی میانه^۱ شامل یک مقدمه و ۶۲ پرسش که هر یک با سؤالی از «دانا» آغاز می‌شود و مینوی خِرد یا روح عقل به آن پرسش‌ها پاسخ می‌دهد (تفضلی، ۱۳۵۴، پیشگفتار). مینوی خِرد را از جهت دربرداشتن اندرز و حکم بسیار و توجه خاص به خِرد می‌توان در عداد اندرزنامه‌ها به شمار آورد (تفضلی، ۱۳۸۶). گلستان، نوشته شاعر و نویسنده پرآوازه ایرانی سعدی شیرازی است. به باور بسیاری، گلستان تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که به نثر مسجع (آهنگین) با یک دیباچه و هشت باب نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های آن کوتاه و به شیوه داستان‌ها و پندهای اخلاقی و اندرزی و در سال ۶۵۶ هجری قمری، نگاشته شده است (مصاحب، ۱۳۵۶، ۲۴۰۸).

در پژوهش حاضر سعی شده است تا به روش توصیفی-تحلیلی و ضمن شرح نظریه استعاره معاصر و مفاهیم مطرح در این حوزه، به بررسی استعاره مضمون اخلاقی بدی به عنوان یکی از مصطلح‌ترین رذایل اخلاقی در این دو متن، پرداخته شود. هدف از این پژوهش بررسی استعاره‌های مضمون اخلاقی «بدی» در دو متن مینوی خِرد (پیش از اسلام) و گلستان سعدی (پس از اسلام) با رویکرد شناختی است. زبان‌شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی دارد؛ زیرا در این علم از طریق زبان به بررسی کارکردهای شناختی و فرایندهای پنهان ذهن پرداخته می‌شود. لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 2003) با کشف نظام گسترده‌ای از استعاره‌های روزمره و متعارف امکان ایجاد نظریه معاصر استعاره را فراهم ساختند که در آن تفکر و ذهن دارای ماهیت استعاری است. در این قالب، مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود، یعنی ذهن انسان مفاهیم انتزاعی (حوزه مقصد) را با بهره‌گیری از مفاهیم عینی (حوزه مبدا) درک می‌کند.

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده و در گام نخست، «بدی» به عنوان یکی از مصطلح‌ترین رذایل اخلاقی جهت بررسی در دو متن مینوی خِرد و گلستان سعدی انتخاب شده است و برای مقایسه و تحلیل، تمامی نام‌نگاشت‌های مفهوم «بدی» در دو

۱. اصطلاح فارسی میانه به زبانی اطلاق می‌شود که دنباله زبان فارسی باستان و در واقع، صورت تحول‌یافته آن است. این زبان که در جنوب غربی ایران (استان فارس کنونی) رواج داشت، زبان رسمی شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م) بود. زبان فارسی میانه حتی پس از فروپاشی سلسله ساسانی تا سده نهم میلادی (قرن سوم قمری) مورد استفاده زردشتیان و مانویان بود (زرنشاس، ۱۳۸۲، ص ۴۰).

متن پیش‌گفته استخراج شدند. چهار نام نگاشت در مینوی خرد عبارت بودند از: [بدی، تقدیر است]، [بدی، حالت و وضعیت است]، [بدی، شیء است] و [بدی، ویژگی است] و دو نام نگاشت در گلستان سعدی عبارت بودند از: [بدی، شیء است] و [بدی، گیاه است]. یافته‌های این پژوهش، می‌تواند با در نظر گرفتن چگونگی مفهوم‌سازی حوزه‌های استعاره اخلاقی بدی و همچنین فراوانی‌های آن، شیوه تفکر و نگرش دو اندرزنامه‌نویس پیش و پس از اسلام را به این مقوله مشخص کند.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه مفاهیم اخلاقی - چه در متون مذهبی و چه در ادبیات فارسی - مطالعات بسیار گسترده‌ای صورت گرفته است، اما این مطالعات از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی نبوده است؛ جز چند مورد اندک که عبارتند از:

بختیاری و سراج (۱۳۹۵)، استخراج حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی و بررسی تطبیقی با حوزه‌های مبدأ و مقصد رایج، بر اساس دیدگاه کووچش (۲۰۱۰) را انجام داده‌اند. دیلمقانی (۱۳۹۵) که با بررسی تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی و با توجه به نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) و دستاوردهای مطالعات در زمانی و درون فرهنگی و قومی به ویژه کووچش، تغییرات تاریخی استعاره‌های مفهومی در حوزه مبدأ، مقصد و نگاشت‌ها را از متن کتاب سمک عیار قرن ششم هجری عنوان کرده است (Kovecses, 2010). در این تحلیل، عواطفی چون شادی، خشم، غم، شرم، ترس، عشق، حیرت، نگرانی و درد با حوزه‌های مبدأ نگاشته شدند.

قوچانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی استعاره‌های مفهومی «ترس» با رویکردی شناختی و پیکره‌ای پرداخته‌اند و از تحلیل داده‌ها مشخص شد که حوزه‌های مبدأ «ماده»، «نیرو» و «حرکت» که پربسامدترین نام‌نگاشت آن مربوط به فعل حرکتی لرزیدن بود، بیشترین فراوانی را در مفهوم‌سازی حوزه «ترس» نزد فارسی‌زبانان دارند.

همتی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در چارچوب نظریه استعاره مفهومی (Lakoff & Johnson, 1980) حرکت استعاری را در پیکره‌ای مشخص از زبان فارسی مورد بررسی قرار دادند که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به ترتیب، مفاهیم انتزاعی افکار، زمان و عواطف



پربسامدترین مفاهیمی بودند که در زبان فارسی از طریق حوزه مبدأ حرکت بیان می‌شدند. عشرت ثقفی، مصطفی عاصی، آزیتا افراشی (۱۳۹۶)، مفهوم «شجاعت» در زبان فارسی در طول زمان را تحلیل کرده‌اند و شریفی مقدم و آزادخواه و ابوالحسنی زاده (۱۳۹۶) نیز به بررسی و مقایسه استعاره‌های مفهومی شادی و غم در سروده‌های شاعره معاصر پروین اعتصامی (۱۳۲۰-۱۲۸۵) پرداخته‌اند.^۱

به نظر می‌رسد که تحلیل و بررسی استعاره بدی بر روی متون اندرزی و مقایسه یک متن کهن منشور اندرزی پیش از اسلام به زبان فارسی میانه (مینوی خرد) با یک متن منشور اندرزی پس از اسلام (گلستان سعدی) اقدام و پژوهشی نو باشد.

۳. مبانی نظری

۳.۱. استعاره مفهومی

به اعتقاد لیکاف و جانسون، شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنایی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی، نقش اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی دارد و از آنجا که این نظام ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (Lakoff & Johnson, 1980, p. 8). استعاره از دید ایشان صرفاً ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایه ادبی نیست، بلکه جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز به وسیله چیزی دیگر است (Lakoff & Johnson, 1980, p. 5). لیکاف و جانسون بر این باورند که چون مفاهیم و فعالیت‌های (کنش‌های) ما به صورتی استعاری ساختار یافته‌اند، در نتیجه، زبان ما نیز به شیوه‌های استعاری ساختار یافته است. ما به‌ندرت از استعاره‌های از پیش انگاشته شده در کاربرد روزمره زبانمان آگاهی داریم؛ این

۱. در همین راستا، حسین قاسمی، محمد عارف امیری، نادیا حاجی‌پور و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶) در مقاله «استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی فاخر» به بررسی «استعاره مفهومی غم» در اشعار ملاعلی فاخر پرداخته‌اند. سراج، بختیاری (۱۳۹۷) با رویکردی شناختی به بررسی استعاره‌های مفهومی اخلاق در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. فاطمه کوشکی، مصطفی عاصی، آزیتا افراشی (۱۳۹۸) نیز به بررسی روند مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» بر مبنای دو پیکره تاریخی و معاصر داده‌های زبان فارسی پرداخته‌اند. همچنین ناهیتا پرتوی، سهیل سعادت‌نیا و نادیا حاجی‌پور (۱۳۹۸)، در مقاله «استعاره‌های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه» به بررسی «استعاره غم» در اشعار ملاعلی فاخر و مسعود سعد سلمان توجه نشان داده‌اند.

استعاره‌ها صرفاً درون واژه‌هایی که به کار می‌بریم وجود ندارند، بلکه در مفاهیمی که به صورت روزمره از آنها استفاده می‌کنیم نیز حضور دارند. ما در مورد یک چیز به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم؛ زیرا در واقع، آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین صورت دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عملکرد ما می‌رسد (Lakoff & Johnson, 1980, pp. 5-7).
استعاره‌های مفهومی ساز و کارهای ذهنی‌اند و همگی آنها بازنمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (Kovecses, 2010, p. 63).

کووچش، نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را این گونه بیان و خلاصه کرده است:

۱. استعاره خاصیتی مربوط به مفاهیم است و نه واژه‌ها؛
۲. نقش استعاره فهم بهتر مفاهیمی خاص است؛ نه صرفاً آفرینش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی؛
۳. استعاره‌ها اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند؛
۴. استعاره روزانه و بدون صرف زحمت توسط افراد عادی به کار گرفته می‌شود و نه تنها توسط افرادی با استعدادهای ویژه؛
۵. استعاره به جای آن‌که نوعی زینت زبانی زائد باشد، نوعی فرایند گریزناپذیر تفکر و استدلال انسان است (Kovecses, 2010, p. 63).

۲.۳. نگاشت

«نگاشت» مفهوم اصلی و محوری در نظریه استعاره‌های مفهومی، است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و بر تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارند. لیکاف، الگوهای ثابتی نظیر [عشق، سفر است] را نام‌نگاشت می‌نامد که در واقع، بازنمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و «نگاشت» را مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می‌داند (افراشی، ۱۳۹۵، ص ۶۷-۶۸). نام‌نگاشت [عشق، سفر است] از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است. به این ترتیب، با توجه به این گفته لیکاف که «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است» (Lakoff, 1993)، در این استعاره یک تناظر نظام‌مند و هستی‌شناختی بین آنچه در حوزه N مقصد است با آنچه در حوزه مبدأ است وجود دارد.



۱۳۷

۳.۳. انواع استعاره

استعاره‌های مفهومی با توجه به نقش شناختی‌ای که بر عهده دارند، در سه طبقه قرار می‌گیرند: استعاره‌های ساختی، استعاره‌های هستی‌شناختی و استعاره‌های جهتی (Lakoff & Johnson, 1980, p. 61). این طبقه‌بندی تا اندازه‌ای با تقسیم‌بندی سه‌گانه ملموس، جان‌بخشی و تشخص‌بخشی که مونتگومری و همکارانش (Montgomery, et al., 2007) در ارتباط با رویکرد سنتی به استعاره ارائه داده‌اند، تطابق دارد. استعاره ساختی، سخنگویان زبان را قادر می‌سازد تا با استفاده از ساختار مفهومی حوزه مبدأ در رابطه با مفاهیم حوزه مقصد، شناخت به دست آورند. نقش شناختی استعاره‌های هستی‌شناختی ایجاد یک مبنای هستی‌شناسانه جدید برای یک مفهوم است و استعاره‌های جهتی بر پایه جهت‌های اصلی به عنوان حوزه مبدأ شکل می‌گیرند و با مفاهیمی که نشان‌دهنده جهت و موقعیت مکانی‌اند در ارتباط هستند (افراشی، ص ۷۸ - ۸۲).

۴. معنی‌شناسی شناختی

اصطلاح معنی‌شناسی شناختی، نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. لیکاف - بر خلاف افرادی چون فودور و چامسکی - رفتار زبانی را بخشی از استعدادهای شناختی انسان می‌داند؛ استعدادهایی که امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را برای آدمی فراهم می‌آورند. در این دیدگاه، «دانش زبانی، بخشی از شناخت عام آدمی است» (صفوی، ۱۳۸۳).

در معنی‌شناسی شناختی، معنا بر ساخت‌های تصویری و مفهومی قراردادی استوار است؛ از همین‌رو، ساخت معنا - مانند دیگر حوزه‌های شناختی - بازتاب «مقوله ذهنی» است که افراد در حین رشد از تجارب و اعمال خود به آن شکل می‌دهند. در ادبیات معنی‌شناسی شناختی، ساخت‌ها و فرایندهای تصویری زیادی شناسایی شده‌اند، اما به استعاره توجه ویژه‌ای شده است (Saeed, 1997).

۵. نظریه تشبیه استعاره

یکی از مهم‌ترین رویکردها و نظریه‌ها در باب مطالعه استعاره «نظریه تشبیه» است که در زبان فارسی و عربی، اکثر مطالعات استعاره در چارچوب این حوزه صورت گرفته است.

رویکردهای دیگری نیز در این خصوص رواج دارند که برای مثال، می‌توان به «نظریه تعامل»، «نظریه گرایس» و نظریه استعاره شناختی اشاره کرد. چنان که برخی صاحب‌نظران تعریف کرده‌اند: «استعاره، مصدر باب استفعال و به معنای عاریه گرفتن و عاریه خواستن چیزی از کسی است و در اصطلاح، به معنای عاریه گرفتن لفظ از معنای حقیقی و استعمال آن در معنای مجازی است، به شرطی که وابستگی میان معنای حقیقی و مجازی بر اساس مشابهت باشد» (نصیریان، ۱۳۸۰).

سنت مطالعه استعاره در میان غربیان به ارسطو باز می‌گردد که استعاره را شیوه و شگردی برای هنرآفرینی می‌دانست و معتقد بود که استعاره، ویژه زبان ادب است و به همین دلیل نیز باید در خلال بحث از فنون و صناعات ادبی بررسی شود. این همان «نگرش کلاسیک» به استعاره است که در میان ما نیز تا به امروز رواج داشته است (صفوی، ۱۳۸۰). به طور کلی، «استعاره، از دیرباز یکی از مهم‌ترین صورت‌های کاربرد زبان «مجازی» به حساب می‌آمد و در زبان ادبیات و شعر به کار می‌رفت. استعاره در واقع، نوعی تشبیه بود، اما در معنی‌شناسی شناختی از نقش و حالت تزئینی در زبان ادبیات و شعر فاصله گرفت و به عنوان بخشی از زبان و راهی برای تجربه جهان مد نظر قرار گرفت» (Saeed, 1997).

۵. ۱. استعاره مفهومی

جالب‌ترین پژوهش معناشناسان شناختی به تحقیق درباره استعاره باز می‌گردد. در آثار پژوهشگرانی نظیر لیکاف و جانسون، بر این نکته تأکید شده است که استعاره، عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ماست و به ساخت‌های بنیادین دیگری از قبیل «طرح واره‌های تصویری» یا «فضاهای ذهنی»، و جز آن مربوط می‌شود (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۳۷).

نظریه امروزی «استعاره»، معتقد است که استعاره‌ها شباهت ایجاد می‌کنند و این برخلاف نظریه سنتی استعاره یا همان نظریه مقایسه است. نظریه مقایسه مدعی است که الف) استعاره‌ها مسائلی زبانی‌اند و نه مرتبط با تفکر یا عمل؛ ب) استعاره «الف»، «ب» است، عبارتی زبانی است و در واقع، مثل این است که بگوییم «الف»، شبیه «ب» است؛ ج) استعاره تنها به توصیف شباهت‌های از پیش موجود می‌پردازد و خود سازنده شباهت نیست، اما نظریه معاصر استعاره معتقد است که الف) استعاره عمدتاً مربوط است به تفکر و عمل و تنها از نظر اشتقاق مسئله‌ای زبانی است؛



ب) استعاره‌ها می‌توانند بر پایه شباهت‌ها باشند؛ هرچند در بسیاری موارد شباهت‌ها خود بر مبنای آن نوع استعاره‌های قراردادی هستند که بر مبنای شباهت شکل نگرفته‌اند؛ ج) وظیفه اصلی استعاره فراهم نمودن درک نسبی از یک نوع تجربه بر اساس نوع دیگر تجربه است. این امر ممکن است مستلزم شباهت‌های مجزای قبلی باشد یا بر اساس شباهت‌های جدید (Lakaff & Johnson, 1980, p. 32).

۶. بحث و بررسی

۶. ۱. ترجمه و تحلیل بدی (ردیلت) در مینوی خرد با توجه به سطر و صفحه

بدو بدتری^۱

فصل ۱ بند ۸۷: «و در سالاری، نیکان را به نیکی و بدان را به بدی شناختن و نیکان را پاداش دادن و بدان را سرزنش کردن بهتر است».

پس بدی در اینجا شیء در نظر گرفته شده است

فصل ۷ بند ۵: «و هر نیکی و بدی به مردمان و آفریدگان دیگر چگونه رسد».

بدی را می‌توان به صورت شیء در حال حرکت در نظر گرفت که از منشاء شر به سمت مردمان و آفریدگان می‌رسد.

فصل ۷ بند ۱۷: «هر نیکی و بدی که به مردمان و نیز به آفریدگان دیگر می‌رسد از هفتان (=هفت سیاره) و دوازدهان (=دوازده برج) می‌رسد».

بدی مانند شیء در حال حرکت به آفریدگان می‌رسد.

فصل ۷ بند ۲۳: «و اهریمن را آزار و بدی آرزوست و هیچگونه نیکی نیندیشد و نپذیرد».

بدی یک وضعیت در نظر گرفته می‌شود که اهریمن آرزوی آن را دارد.

فصل ۱۵ بند ۲۱: «و نیکی مرد در خشم و خرد مرد در شهوت بدی انگیز آشکار می‌شود. بدی شیء است».

فصل ۲۲ بند ۵: «چه هنگامی که تقدیر برای نیکی یا بدی فرارسد دانا در کار گمراه و نادان کاردان شود». بدی تقدیر است.

فصل ۲۶ بند ۹: «که آنچه در مورد ایشان از جهت نیکی یا بدی می‌پرسی، آگاه باش و بدان».

از جهت بدی میپرسی، بدی یک ویژگی است.

فصل ۵۰ بند ۵: «که مرد کاهل و نادان و بد هنگامی که بخت با او یار شود، کاهلیش به کوشش همانند شود و نادانیش به دانایی و بدیش به نیکی».

بدیش به نیکی همانند شود، بدی مانند شیء است که به شیء دیگر شبیه است.

فصل ۵۱ بند ۱۵: «و به این بیگمان بودن که ایزدان به مردمان، گذشته از نیکی، هیچگونه بدی ندهند و اهرمن و دیوان، گذشته از بدی هیچگونه نیکی ندهند».

بدی در اینجا شیء است که از سوی اهریمن و دیوان داده می شود.

فصل ۵۹ بند ۲: «که انسان به نیکی و بدی کدام یک شناخته تر است؟»

به بدی شناختن، بدی ویژگی است.

فصل ۵۹ بند ۵: «و آن کسی که نشست و کارش با بدان است و نامش را به بدنامی برند، آن مرد به بدی شناخته تر است».

بدی ویژگی است.

فصل ۵۹ بند ۸: «و کسی که با بدان پیوندد، بدی با خود آورد».

بدی، شیء است.

فصل ۵۹ بند ۱۳: «(که آن کسی که کارش با نیکان است، نیکی پذیرد) و آن که کارش با بدان است، بدی».

بدی، ویژگی است.

نام نگاشت	بدی تقدیر است	بدی وضعیت و حالت است	بدی ویژگی است	بدی شیء است
مجموع رخداد در مینوی خرد	۱	۱	۴	۹

جدول شماره (۱): استعاره مفهومی بدی در مینوی خرد

همانگونه که در جدول (۱) مشاهده می شود، مفهوم سازی «بدی» در مینوی خرد به چهار صورت: شیء، ویژگی، وضعیت و تقدیر مشاهده شد.



۱۴۱

مفهوم‌سازی «بدی» به صورت [بدی شیء است] با بسامد نُه مورد، بیشترین رخداد را در مینوی خُرد داشته است که سه مورد از آنها شیء به تنهایی بوده و در شش مورد دیگر این شیء موارد کاربردی داشته مانند: الف) شیء‌ای در حال حرکت که از منشاء شر یا اهریمن و بدکاران به سمت مردمان می‌آید؛ ب) شیء‌ای در حال حرکت که از منشاء شر یا اهریمن و بدکاران به سمت آفریدگان می‌آید؛ ج) شیء‌ای که به شیء دیگر شبیه است؛ د) شیء در حال حرکت. [بدی ویژگی است] با چهار مورد کاربرد در جایگاه دوم قرار دارد و دو استعاره مفهومی [بدی تقدیر است] و [بدی وضعیت و حالت است] هر کدام با یک مورد کاربرد در پیکره یافت شدند.

۶. ۲. تحلیل بدی (رذیلت) در گلستان سعدی با توجه به باب و شماره حکایت

حکایت (۱۰) باب اول، ص ۷۹: «هرآنکه تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت دماغ بیهده پخت و خیال باطل بست». بدی گیاه است.

حکایت (۱) باب چهارم، ص ۳۱۵: «یکی را از دوستان گفتم: امتناع سخن گفتم بعلت آن اختیار آمده است در غالب اوقات که در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده دشمنان جز بر بدی نمی‌آید». بدی شیء قابل رویت است.

حکایت (۱۰) باب چهارم، ص ۳۲۴: «امیدوار بود آدمی بخیر کسانمرا بخیر تو امید نیست، شر مرسا». شر شیء است.

نام نگاشت	بدی شیء است	بدی گیاه است
مجموع رخداد در گلستان سعدی	۲	۱

جدول شماره (۲): استعاره مفهومی بدی در گلستان سعدی

چنانکه در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است، مفهوم‌سازی بدی به دو صورت [بدی شیء است] با دو رخداد و [بدی گیاه است] با یک رخداد در گلستان وجود داشت.

۳.۶. مقایسه بدی در مینوی خِرد و گلستان سعدی

برای مقایسه مفهوم بدی در مینوی خِرد و گلستان سعدی ابتدا مقادیر محاسبه شده به درصد محاسبه شد.

نام نگاشت	بدی تقدیر است	بدی شیء است	بدی گیاه است	بدی وضعیت و حالت است	بدی ویژگی است
مجموع رخداد در مینوی خِرد	۷٪	۶۰٪	۰٪	۶٪	۲۷٪
مجموع رخداد در گلستان سعدی	۰٪	۶۷٪	۳۳٪	۰٪	۰٪

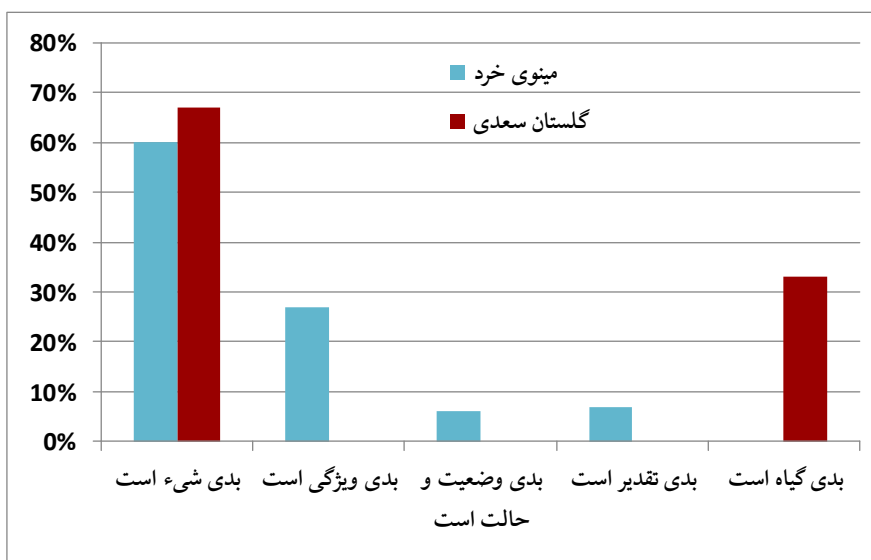


۱۴۳

جدول شماره (۳): مقایسه استعاره مفهومی بدی در مینوی خِرد و گلستان سعدی به درصد

چنانکه در جدول شماره (۳) قابل مشاهده است، [بدی، شیء است] با بیشترین درصد در هر دو متن وجود دارد. این نام نگاشت در گلستان سعدی با ۶۷٪ و در مینوی خِرد با ۶۰٪ نخستین نام نگاشت از نظر رخداد است.

نام نگاشت های [بدی، ویژگی است] با ۲۷٪ و [بدی، تقدیر است] با ۷٪ و [بدی، وضعیت و حالت است] با ۶٪ رخداد تنها در مینوی خِرد مشاهده شدند. [بدی، گیاه است] با ۳۳٪ رخداد تنها در گلستان سعدی مشاهده شد. این تفاوت ها را می توان در قالب نمودار شماره (۱) خلاصه کرد.



نمودار شماره (۱): مقایسه درصدی استعاره مفهومی بدی در مینوی خرد و گلستان

۷. نتیجه‌گیری

الف) گرچه مینوی خرد متنی مربوط به دوران پیش از اسلام است و گلستان سعدی متنی مربوط به پس از اسلام، اما محتوای اخلاقی این دو کتاب از منظر زیربنای فلسفی و تلقی هستی‌شناسانه در واقع، دو وجه از تلقی یگانه‌ای از جهان هستند، که جهان را دارای مراتب می‌داند و باور دارد که در پس هر فعل یا عمل اخلاقی، تجسم یا شیئیت آن عمل اخلاقی در مرتبه‌ای دیگر از هستی ظاهر می‌شود.

ب) این تلقی هستی‌شناختی که هم در اندیشه مزدیسنانی و هم در اندیشه اسلامی وجود دارد، تار و پود جهان را درآمیخته با ارزش‌های اخلاقی می‌انگارد و برای هر عمل یا فعل اخلاقی باطنی مادی یا تجسمی شیئی قائل است.

ج) اخلاق امری بیرون از جهان نیست، بلکه دقیقاً با تمام اجزای جهان آمیخته است. این درآمیختگی اخلاق با جهان، خود را به صورت پیوند میان عمل اخلاقی و ظهور شیئی یا تجسم

یافته آن عمل اخلاقی نشان می‌دهد که به صورت بسامد بالای نام نگاشت [بدی شیء است] هم در مینوی خَرَد و هم در گلستان سعدی بروز یافته است.

د) شاید بتوان گفت وجود نام نگاشت [بدی تقدیر است] در مینوی خَرَد، بیش از هر چیز نشان از تفکر تقدیرگرایی زروانی رایج در اواخر دوره ساسانی دارد که بر روی نگارنده یا نگارندگان مینوی خَرَد تأثیر گذاشته است، در حالیکه چنین مواردی بدین صورت، در گلستان سعدی مشاهده نمی‌شود.

فهرست منابع

افراشی، آریتا. (۱۳۹۵). مبانی معناشناسی شناختی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بختیاری، محمود؛ سراج، اشرف. (۱۳۹۵). استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی. (به کوشش آریتا افراشی). تهران: نشر نویسه پارسی، ص ۱۰۹-۱۲۸.

پرتوی، آناهیتا؛ سعادت‌نیا، سهیل؛ حاجی‌پور نادیا. (۱۳۹۸). استعاره‌های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه. دوفصلنامه ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱(۱)، ص ۱۶-۳۶.

تباری، فاطمه. (۱۳۹۴). استعاره‌های مفهومی خشم در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران.

تفضلی، احمد. (۱۳۵۴). مینوی خَرَد. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

تفضلی، احمد. (۱۳۴۸). واژه‌نامه مینوی خَرَد. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

تفضلی، احمد. (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: انتشارات سخن.

ثقفی، عسرت. (۱۳۹۶). تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی شجاعت در زبان فارسی:

رویکردی شناختی و پیکره‌ای. پایان‌نامه دکتری. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی. دانشگاه

آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

حامدی شیروان، زهرا؛ شریفی، شهلا. (۱۳۹۴). بررسی استعاره‌های شناختی و مدل شناختی خشم و



- کینه در پنج داستان از شاهنامه فردوسی. مجموعه مقاله‌های همایش مخاطب‌شناسی شاهنامه و شعر حماسی فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- دیلمقانی، سارا. (۱۳۹۵). بررسی تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: متن سمک عیار. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معنانشناسی شناختی به کوشش آریتا افراشی. تهران: نشر نویسه پارس. ص ۷۷-۵۵.
- زرشناس، زهره. (۱۳۸۲). زبان و ادبیات ایران باستان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سراج، اشرف؛ بختیاری، محمود. (۱۳۹۷). استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق در شاهنامه فردوسی: رویکرد شناختی. پژوهش نامه اخلاق. ۱۱(۴۰)، ص ۱۲۷-۱۴۱.
- سعدی، ابومحمد مُصلِح بن عبداللّه بن مشرف، گلستان سعدی. (۱۳۷۴). (به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر). تهران: انتشارات صفی علیشاه.
- شریفی مقدم، آزاده؛ آزادیخواه، مریم؛ ابوالحسنی‌زاده، وحیده. (۱۳۹۶). مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی. نشریه زبان‌پژوهی، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۶ دی ۱۳۹۶ doi: 10.22051/jlr.2018.15235.1330
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: سوره مهر.
- فرهودی، مصطفی (۱۳۹۲). اخلاق در دین زرتشت از منظر مینوی خرد. دوفصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی. پژوهشگاه علوم و حیانی معراج. ۱۱(۴۰)، ص ۸۷-۱۰۳.
- فضائلی، سیده مریم؛ ابراهیمی، شیماء. (۱۳۹۳). بررسی استعاره‌های مفهومی احساس «غم» در شعر مسعود سعد سلمان. نشریه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۴(۱۳)، ص ۸۰-۶۵.
- قاسمی، آزاده (۱۳۹۴). بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری واژه غم در اشعار فریدون مشیری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- قاسمی، حسین؛ امیری، محمد عارف؛ نادیا حاجی پور؛ پرتوی، آناهیتا. (۱۳۹۶). استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی فاخر. مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری. ج ۲. مازندران: انتشارات شفلین. ص ۲۷-۵۰.
- قوچانی، بیتا؛ افراشی، آریتا؛ عاصی، سید مصطفی. (۱۳۹۵). استعاره‌های مفهومی حوزه ترس، در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای. مجموعه مقالات نخستین همایش معنانشناسی شناختی با کوشش آریتا افراشی. تهران: نشر نویسه پارس، ص ۲۰۱-۲۲۶.
- کوربن، هانری. (۱۳۹۵). ارض ملکوت: کالبد رستاخیزی انسان از ایران مزدایی تا ایران شیعی.



- (ترجمه و تحقیق: انشاء الله رحمتی). تهران: نشر سوفیا.
- کوشکی، فاطمه. (۱۳۹۸). مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» در زبان فارسی: رویکردی شناختی، در زمانی و پیکره‌ای. پایان‌نامه دکتری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۵۶). دایرة المعارف فارسی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ملکیان، معصومه؛ فرهاد، ساسانی. (۱۳۹۳). مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۶(۲)، (ص ۵۶-۳۷).
- مولودی، امیر سعید؛ کریمی دوستان، غلامحسین؛ بی‌جن‌خان، محمود. (۱۳۹۴). کاربرد رویکرد پیکره‌بنیاد تحلیل الگوی استعاره در زبان فارسی: مطالعه حوزه مقصد خشم. پژوهش‌های زبانی، ۶(۱)، ص ۹۹-۱۱۸.
- نصیریان، یدالله. (۱۳۸۰). علوم بلاغت و اعجاز قرآن، تهران: انتشارات سمت.
- همتی، طاهره؛ شوقی، مریم؛ جولایی، کامیار. (۱۳۹۵). استعاره‌های مفهومی حرکت در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار. مجموعه مقالات رویکردی‌شناختی به بازنمود حرکت در زبان فارسی، (به کوشش آریتا افراشی). تهران: نشر نویسه پارس، ص ۱۷۳-۱۹۳.
- Jäkel, O. (2002). Hypotheses Revisited: The Cognitive Theory of Metaphor Applied to Religious Texts. *Metaphorik. de*, 2 (1), pp. 20-42.
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction, 2nd Edition* (2e edition). Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (1st edition, pp. 202–251). Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). The Metaphorical Structure of the Human Conceptual System. *Cognitive Science*, 4(2), 195–208. https://doi.org/10.1207/s15516709cog0402_4
- Montgomery, M., Durant, A., Furniss, T., & Mills, S. (2007). *Ways of Reading: Advanced Reading Skills for Students of English Literature*. London: Routledge.
- Moradi, M. R., & Mashak, S. P. (2013). A Comparative and Contrastive Study of Sadness Conceptualization in Persian and English. *English Linguistics Research*, 2(1), 107–112. <https://doi.org/10.5430/elr.v2n1p107>
- Saeed, J. I. (1997). *Semantics*. Oxford. Wiley-Blackwell.